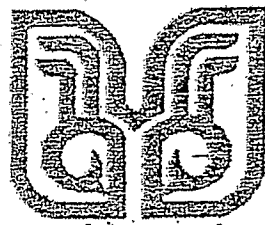


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٦

١١٥١١٣



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فرهنگ و زبانهای باستانی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی

آفرینش و رستاخیز در باور ایرانیان باستان و مقایسه آن با باورهای مزدی
بین النهرین و مصر باستان

استاد راهنما:

دکتر شمس الدین نجمی

استاد مشاور:

دکتر محمد مطلبی

مؤلف:

ارمغان بنان

۱۳۸۸ / ۴ / ۱۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان

تیم کتابخانه

آبان ۱۳۸۷

(ب)

۱۱۵۱۱۳



دانشگاه شهید باهنر کرمان

پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو:

ارمغان بنان

استاد راهنما:

دکتر شمس الدین نجمی

استاد مشاور:

دکتر محمد مطلبی

داور ۱:

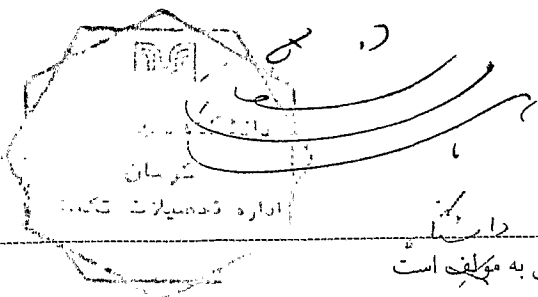
دکتر محمود مدبری

داور ۲:

دکتر ناصر محسنی نیا

داور ۳:

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده: ناهید فخرشایبی



حق چاپ محفوظ و مخصوص به مؤلف است

روزها فکر من اینست و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود
به کجا می‌روم آخر نمائی وطنم
مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا
یا چه بوده است مراد وی از این ساختم
جان که از عالم علویست یقین می‌دانم
رخت خود باز بر آنم که همانجا فکنم
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک
د و سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
ای خوش آنروز که پرواز کنم تا بر دوست
به امید سر کویش پر و بالی بززم
کیست در گوش که او می‌شنود آوازم
یا کدامیست سخن می‌کند اندر دهنم
کیست در دیده که از دیده برون می‌نگرد
یا چه جانست نگویی که منش پیرهنم
تا به تحقیق مرا منزل وره نمایی
یکدم آرام نگیرم نفسی دم نزنم
می‌وصلم بچشان تا در زندان ابد
از سر عربده مستانه بهم درشکنم
من بخود نامدم اینجا که بخود باز روم
آنکه آورد مرا باز برد در وطنم
تو مپندار که من شعر بخود می‌گویم
تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم
شمس تبریز اگر روی بمن نمایی
والله این قالب مردار بهم درشکنم

(مولوی)

سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستیمان بخشیدو به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و معرفت زیتیمان بخشید و خوشه چینی از علم و دانش را روزیمان ساخت. بر خود می دانم از زحمات بی دریغ و تلاشهای بی وقفه و را هنمایی های ارزشمند استاد راهتمای گرامی جناب آقای دکترشمس الدین نجمی در راستای انجام این پروژه تشکر و قدر دانی نمایم. همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مطلبی در مقام استاد مشاور پروژه که با رهنمودهای ارزنده خود راهگشای این جانب بودند کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

تقدیم به روان پاک پدر گرانقدرم سرهنگ محمد بنان
که یاد و خاطرش همیشه چراغ روشن راه تاریک زندگییم هست.

تقدیم به مادر عزیزم هما طرفدار

اسوه صبر و بردباری، این مهربان درخت تنومند استقامت که همواره در جای جای زندگی پربارش نگران لحظه
به لحظه ام بوده و هست از شیرین ترین دوران زندگی گذشت تا مرا به سر منزل علم و دانش رهنمون سازد
شاید ثمره تلاشم امروز بوسه ای بر دستان پر مهرش باشد.

تقدیم به همسر بزرگوارم مهندس بهمن میر علایی

که چون کوهی استوار در طول زندگی مشترکمان پشتیبانم بوده و هست در طول این مسیر سخت همواره
دلگرمی هایش مشوق ادامه راهم بود همسر مهربانم موفقیت امروزم را از تو دارم.

تقدیم به فرزند دلبندم دیانا

ستاره درخشان و امید زندگییم

تقدیم به خواهر عزیزم دکتر انوشه بنان، مهندس وحید مقتدا و سروش مهربانم

پیش‌گفتار

مسئله آفرینش و رستاخیز همواره یکی از مهمترین مسائلی بوده که ذهن بشر را همیشه به خود مشغول داشته است و همواره بشر در پی این بوده تا پاسخی مناسب به سئوالات خود در خصوص آفرینش و رستاخیز بیابد.

این که این جهان و انسان از کجا آمده و به کجا خواهند رفت و سر انجام چه خواهند شد سئوالی بوده که مربوط به زمان و نقطه جغرافیایی خاصی نبوده و تمامی اعصار ذهن بشر را در تمامی نقاط جهان در بر می‌گیرد اما نحوه بر خورد هر قوم و پاسخی که هر ملت به آن داده است منحصر به فرد آن قوم است و در آن شرایط جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و تاریخی به شدت خودنمایی می‌کند.

در پی پاسخهای متفاوت اقوام مختلف می‌توان شباهتها و تفاوتهایی را در آن پاسخیها مشاهده کرد که خود آنها می‌توانند ریشه‌های اشتراک‌ها و افتراق‌های فرهنگی بین این اقوام را مشخص نمایند و این خود در شناخت بهتر مسائل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و... موثر است.

از بین تمدنهای قدیم سه تمدن حائز اهمیت بسزای می‌باشند. این سه تمدن که قطبهای مهم تمدن کهن هستند شامل ایران باستان، بین‌النهرین باستان و مصر باستان می‌باشند.

در این رساله کوشش شده تفکرات این سه ملت در خصوص آفرینش و رستاخیز مورد بررسی قرار گیرد و شباهتها و تفاوتها و تاثیر پذیریهای آنها از یکدیگر مورد ارزیابی قرار گیرد.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	فصل اول : تفسیر و تشریح موضوع.....
۱-۱-۱	مقدمه.....
۱-۲-۱	بیان مسئله.....
۱-۳-۱	اهداف تحقیق.....
۱-۴-۱	اهمیت و ضرورت انجام تحقیق.....
۱-۵-۱	سوال ها یا فرضیه های تحقیق.....
۱-۶-۱	نوع تحقیق.....
۱-۷-۱	روش اجرای تحقیق.....
۱-۸-۱	روش جمع آوری اطلاعات.....
۱-۹-۱	پیشینه های تحقیق.....
۱-۱۰-۱	کلید واژگان طرح تحقیق و متادل لاتین آن.....
۱۱	یادداشت های فصل اول.....
۱۲	فصل دوم : مفاهیم و کلیات.....
۱-۲-۱	اسطوره.....
۱-۱-۲	اسطوره در لغت (معنای لغوی اسطوره).....
۱-۲-۲	تعاریف اسطوره.....

- ۱۸..... ۲-۱-۳- اسطوره و افسانه
- ۲۰..... ۲-۱-۴- کارکرد اسطوره
- ۲۱..... ۲-۱-۵- علل شباهت اساطیر (ایران، مصر و بین النهرین)
- ۲۲..... ۲-۲- آفرینش
- ۲۳..... ۲-۳- مرگ
- ۲۵..... ۲-۴- سرزمین ایران
- ۴۰..... ۲-۵- سرزمین بین النهرین
- ۴۶..... ۲-۶- سرزمین مصر
- ۵۵..... ۲-۷- نتیجه
- ۵۶..... یادداشت های فصل دوم
- ۵۷..... فصل سوم: آفرینش جهان
- ۵۸..... ۳-۱- آفرینش جهان مادی
- ۵۸..... ۳-۲- جهان، آفریده غول-خدای نخستین
- ۵۹..... ۳-۲-۱- اساطیر آفرینش بابلی در خصوص غول خدای نخستین
- ۶۰..... ۳-۲-۲- اساطیر آفرینش زرتشتی در خصوص غول خدای نخستین
- ۶۱..... ۳-۲-۳- اساطیر آفرینش مانوی در خصوص غول خدای نخستین
- ۶۲..... ۳-۳- پیدایش جهان حاصل از ازدواجی مقدس

عنوان

صفحه

- ۳-۳-۱- اساطیر آفرینش مصری در خصوص ازدواج مقدس ۶۲
- ۳-۳-۲- اساطیر آفرینش سومری در خصوص ازدواج مقدس ۶۳
- ۳-۳-۳- اساطیر آفرینش بابلی در خصوص ازدواج مقدس ۶۳
- ۳-۳-۴- اساطیر آفرینش فنیقی در خصوص ازدواج مقدس ۶۵
- ۳-۳-۵- اساطیر آفرینش زروانی در خصوص ازدواج مقدس ۶۶
- ۳-۴-۲- آفرینش از هیچ و آفرینش از بی نظمی ۶۷
- ۳-۴-۱- آفرینش از هیچ ۶۷
- ۳-۴-۱-۱- آفرینش در اساطیر مصر از هیچ ۶۷
- ۳-۴-۲- آفرینش در اساطیر ایران باستان از هیچ ۶۸
- ۳-۴-۲- آفرینش از بی نظمی ۶۹
- ۳-۴-۲-۱- اساطیر آفرینش بین النهرین از بی نظمی ۶۹
- ۳-۵-۵- جهان از دریایی ازلی بوجود آمده و محصور در آب ۷۰
- ۳-۶- ادوار آفرینش ۷۱
- ۳-۷- نخستین مکان آفریده شده محل زندگی قوم صاحب آن اسطوره ۷۲
- ۳-۸- پیدایش جهان مادی در چند مرحله (ایران، مصر و بین النهرین باستان) ۷۲
- ۳-۹- پیدایش جهان مینوی (ایران) ۷۳
- ۳-۱۰- نتیجه ۷۵
- یادداشت های فصل سوم ۷۶

۷۷.....	فصل چهارم: آفرینش انسان
۷۸.....	۴-۱- آفرینش و پیدایش انسان
۷۹.....	۴-۲- آفرینش انسان از خاک
۸۰.....	۴-۲-۱- آفرینش انسان از خاک در اساطیر بین النهرین
۸۲.....	۴-۲-۲- آفرینش انسان از خاک در اساطیر ایران باستان
۸۳.....	۴-۲-۳- آفرینش انسان از خاک در اساطیر مصر باستان
۸۳.....	۴-۳- منشاء پیدایش انسان از گیاه
۸۴.....	۴-۳-۱- نخستین جفت در اساطیر ایرانی
۸۵.....	۴-۴- کاربرد عناصری ایزدی در آفرینش انسان
۸۶.....	۴-۴-۱- کاربرد عناصری ایزدی در آفرینش انسان در اساطیر مانوی و گنوسی
۸۷.....	۴-۴-۲- کاربرد عناصری ایزدی در آفرینش انسان در اساطیر بابلی
۸۸.....	۴-۴-۳- کاربرد عناصری ایزدی در آفرینش انسان در اساطیر مصر
۸۸.....	۴-۵- پیدایش انسان از نسل خدایان
۸۹.....	۴-۶- آفرینش موجودی دیگر به همراه انسان
۹۰.....	۴-۷- خلق انسان به شکل آفریدگار
۹۰.....	۴-۸- آفرینش زن در مرتبه دوم
۹۱.....	۴-۹- از دست دادن جاودانگی
۹۴.....	۴-۱۰- هدف از خلقت انسان
۹۵.....	۴-۱۱- نتیجه

عنوان

صفحه

یادداشت های فصل چهارم ۹۶

فصل پنجم : جهان پس از مرگ ۹۷

۵-۱- زندگی بعد از مرگ ۹۸

۵-۲- دیدگاه اساطیریین النهرین درباره حیات پس از مرگ ۱۰۰

۵-۳- دیدگاه اساطیر مصر درباره حیات پس از مرگ ۱۰۴

۵-۴- دیدگاه اساطیر ایران باستان درباره حیات پس از مرگ ۱۰۹

۵-۴-۱- دیدگاه اساطیر ایران باستان درباره حیات پس از مرگ (زرتشتی) ۱۰۹

۵-۴-۲- دیدگاه اساطیر ایران باستان درباره حیات پس از مرگ (میترائیسم) ۱۱۳

۵-۴-۳- دیدگاه اساطیر ایران باستان درباره حیات پس از مرگ (مانویان) ۱۱۴

۵-۵- نتیجه ۱۱۶

یادداشت های فصل پنجم ۱۱۷

فصل ششم : آئین های مرگ ۱۱۸

۶-۱- مراسم و آئین های مرگ ۱۱۹

۶-۲- دفن مردگان ۱۲۲

۶-۲-۱- گورستان نمادی از جامعه ۱۲۶

عنوان	صفحه
۶-۲-۲- مومیایی در مصر.....	۱۲۸
۶-۲-۲- دفن مردگان در خانه.....	۱۲۹
۶-۲-۳- نصب سنبیل های نور در آرامگاه.....	۱۳۰
۶-۳- آئین های خاص زرتشتیان.....	۱۳۰
۶-۴- نتیجه.....	۱۳۴
یادداشت های فصل ششم.....	۱۳۵
فصل هفتم: پایان جهان.....	۱۳۶
۷-۱- پایان جهان مادی.....	۱۳۷
۷-۲- پایان جهان در اساطیر ایرانی.....	۱۳۸
۷-۳- پایان جهان در اساطیر بین النهرین و مصر باستان.....	۱۴۲
۷-۴- نتیجه.....	۱۴۳
یادداشت های فصل هفتم.....	۱۴۴
فصل هشتم: نتیجه گیری.....	۱۴۵
۸-۱- نتیجه گیری.....	۱۴۶
کتابنامه.....	۱۴۹

آفرینش و رستاخیز در باور ایرانیان باستان و مقایسه آن با باورهای بین النهرین و مصریان باستان

در این پایان نامه دو موضوع آفرینش و رستاخیز در اساطیر ملل ایران باستان ، بین النهرین و مصر باستان مورد بحث قرار گرفته است . در موضوع آفرینش ، نخست باورهای اساطیری درباره ی آفرینش انسان و جهان تشریح گردیده و سپس درباره ی وجوه اشتراک و افتراق باورهای اساطیری آفرینش و میزان تاثیرپذیری این باورها از یکدیگر بحث شده است .

در موضوع مرگ به سه مبحث پرداخته شده است :

۱- دیدگاه گذشتگان درباره ی پدیده ی مرگ و چگونگی رویارویی با آن توضیح داده شده است و سپس به مراسم و باورهای این سه قوم پرداختیم .

۲- اعتقاد به جهان پس از مرگ و بیان سیر تحول و شکل گیری این باورها ، همراه با ذکر اساطیر اقوام فوق الذکر توضیح داده شده است .

۳- اساطیر و باورهای مربوط به پایان جهان ، بخش دیگری از این رساله را تشکیل می دهد در این بخش گفته شده که ایرانیان پایان جهان را با ظهور یک منجی همراه می دانستند که پس از اصلاحات او ، جهان به کمال خود می رسد .

فصل اول

تعريف و تشریح موضوع

(بزرگ ترین اسرار مرگ است)

حضرت علی (ع)

۱-۱- مقدمه

پیدایش جهان و انسان موضوعی است که همواره مورد سوال و تحقیق ذهن کنجکاو بشر می باشد. انسان به واسطه ذهن کنجکاو و جستجو گر خویش همواره در صدد یافتن پاسخ سئوالات خویش هست لذا اسطوره ها پاسخ هایی هستند که این انسان کنجکاو به سئوالات خویش داده است .
بررسی متون اوستا و پهلوی مانند بُندهش و گزیده های زاداسپَرَم حاوی نکات بسیاری از اسطوره های ایرانی در خصوص آفرینش جهان و انسان است.

در مصر و بین النهرین نیز اسطوره های زیادی در مورد آفرینش انسان و جهان وجود دارد که نشان دهنده نوع تفکر آن روزگار است . موضوع این پایان نامه مقایسه میان باورهای ایرانیان باستان و مصر باستان و بین النهرین باستان است.

رستاخیز و معاد نیز مانند آفرینش بطور کلی هزاران سال است که ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. این سوال همواره در تمامی ادیان خود نمایی کرده است. در ایران باستان هم مانند سایر نقاط دنیا اعتقاد به رستاخیز وجود داشته است کاوشهای باستان شناسی در ایران شواهدی از اعتقاد به رستاخیز را پیش از مهاجرت آریاییها نشان میدهد. کاوشهای باستان شناسی از گورهای باقی مانده از هفت هزار سال پیش نشان دهنده دفن ابزارها و ظروفی همراه مرده بوده که گمان می شده در دنیای پس از مرگ به آنها نیاز خواهد داشت حتی بعضی جاها مرده در کف خانه دفن می شده تا از غذا و گرمای درون خانه بهره مند شود .

ایرانیان پس از مهاجرت آریاییها نیز بنا بر متهنهای باقی مانده از آیین زرتشتی، اوستا و متون پهلوی چون ارداویراف نامه به رستاخیز معتقد بوده اند.

در مصر قدیم ، چنانکه از شواهد برمی آید فرد در سرتاسر طول زندگی تاهنگام مرگ همواره در صدد بوده که لوازم مورد نیاز آن دنیا را برای خود فراهم کند. جسم فرد پس از مرگ مومیایی می شده و مومیایی کردن جسم که غیر از مصر در بسیاری از نقاط جهان رایج بوده دال بر اعتقاد به زندگی پس از مرگ همراه با جسم بوده است.

در کاوشهای باستان شناسی ، آثار به جا مانده از وسایلی که همراه مرده دفن می گردیده اعتقاد به زندگی پس از مرگ را در بین النهرین تایید می کند .

سه تمدن مهم و بزرگ کهن یعنی بین النهرین، مصر و ایران دارای مشترکات فراوانی با یکدیگرند لذا مطالعه و تحقیق در هر کدام می تواند دریچه ای از ناشناخته های دیگری را باز کند.

درباورهای ایرانیان باستان جهان از دومرحله مادی و مینوی تشکیل می شده؛ جهانی که بعد جسمانی داشته و جهانی که دارای بعد روحانی بوده است یعنی اعتقاد به جهانی ورای جهان مادی وجود داشته است آفرینش ابتدا در مرحله مینوی انجام گرفته و سپس به صورت مادی درآمده است و مرگ نه تنها پایان این جهان محسوب نمی شده بلکه آغازی برای زندگی دوباره بوده است لذا این عقاید در جای جای تمام آیین ها و آداب رسوم مردم دیده می شود. مطالعه اوستا و متون پهلوی و زند و متون مانوی روشن کننده جزئیات و مطالب بسیاری در این رابطه می باشد.

آگاهی ما درباره آفرینش و رستاخیز در اعصار باستان در مصر به نسبت بیش از اطلاع ما درباره سایر اقوام باستانی است؛ و ما می توانیم تحولات آن را تا سه یا چهار هزار سال دنبال کنیم . متون مقدس دینی ، روایات اساطیری ، سرودهای مذهبی آیین ها و کتاب مردگان (کتابی به خط هیروگلیف که شامل ادعیه، باورها و اسطوره های مصر باستان است.) به صورت اصلی خود به جای مانده است و گویای باورهای مصر درباره آفرینش، قدرت های الهی و زندگی پس از مرگ است.

آثار نقاشی و نقش های باز مانده بر سنگ ها ، شکل این قدرت های الهی و نحوه بر گذاری آیین هارانشان می دهد نوشته های پاپيروس و کتیبه ها سازمان جادویی معابد بزرگ را مشخص می کند. اعتقاد به آفرینش و رستاخیز در باورهای بین النهرین باستان سیری تکاملی دارد و اسطوره های زیادی در این رابطه وجود دارد .

حفریهای باستان شناسی ، کشف الواح کتابخانه آشوربانی پال (یکی از پادشاهان آشور که کتابخانه بزرگی از الواح گلی پدید آورد. ۸۸۴-۸۶۰ ق.م) اطلاعات وسیعی در خصوص باورهای مردم بین النهرین نسبت به مسئله آفرینش و رستاخیز را در بر دارد.

این رساله به باورهای سه ملت ایران باستان ، مصر باستان و بین النهرین باستان در خصوص آفرینش و رستاخیز پرداخته و شامل هشت فصل به این شرح می باشد فصل اول تفسیر و تشریح موضوع، فصل دوم مفاهیم و کلیات، فصل سوم آفرینش جهان، فصل چهارم آفرینش انسان ، فصل پنجم جهان پس از مرگ، فصل ششم آیین های مرگ، فصل هفتم پایان جهان و فصل هشتم نتیجه گیری

۱-۲- بیان مسئله

پیدایش جهان و انسان، موضوعی است که همیشه مورد سؤال و تحقیق اندیشمندان قرار گرفته است؛ تا آنجا که تاریخ و اسناد بازمانده از گذشتگان به ما اجازه ی تحقیق می دهند، به مطالبی در این باره برمی خوریم که فلاسفه و مورخین در مورد آغاز جهان و خلقت انسان مطرح می کنند و در ظلمت های فراسوی هزاره ها که از تابش انوار تاریخ خبری نیست، اساطیر همانند ستارگانی می درخشند و مسیر تفکر و اندیشه ی بشری را به ما نشان می دهند.

اساطیری که در مورد آغاز جهان و خلفت انسان به دست ما رسیده است، داستان‌هایی توجیهی اند که انسان‌های نخستین و اندیشمندان آنان، برای پاسخ‌گویی به پرسشهای بشر درباره مبدأ هستی بر ساخته‌اند. این داستان‌های اسطوره‌ای به صورت یک اعتقاد، همیشه کنجکاوی‌های ذهنی بشر را اقناع می‌کرده‌اند و در طی زمان به عنوان تنها پاسخ مشروع، به تقدسی دست یافته‌اند که مورد پذیرش همه‌ی مردمان، حتی متفکران نیز واقع شده‌اند تا جایی که فلاسفه‌ی ادوار تاریخی، به جای این که در بحث درباره‌ی آغاز جهان و انسان، به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برتر و نوتر و ارائه‌ی فرضیاتی جدید باشند، بیشتر همان باورهای کهن را مورد دقت و تفکر قرار داده‌اند و اگر نظری ارائه داده‌اند، شرح و تفسیر همان عقاید قدما بوده است.

این اساطیر که چنین مقبول عام و خاص قرار گرفتند در ادوار تاریخی به عنوان جزئی از تاریخ پنداشته شدند و چون از حیطه‌ی باورهای عامه خارج شدند مشروعیت و جواز بقای خویش را از تاریخ کسب کردند.

تا پیش از سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی که مباحث اسطوره‌ای وارد مرحله‌ی علمی و نوین خود شود و قلمرو تاریخ و اسطوره از هم جدا شود، همان اساطیر اولیه را چون تاریخ می‌دانستند و مورد نقد و تحلیل قرار می‌دادند. ممکن است برخی از این اساطیر تاریخی هسته‌ای از واقعیت داشته باشند اما آن قدر در لفافه‌ی افسانه و هاله‌ی داستان پردازی بعدی فرو رفته‌اند که تشخیص مرز اسطوره و تاریخ در آن‌ها چندان آسان نیست. از نمونه‌های بارز این گونه تاریخ‌ها، می‌توان شاهنامه فردوسی را نام برد. قبل از هر چیز باید یادآور شد که شاهنامه، همان تاریخ کهن ایرانیان است که به نظم درآمده و اعتبار خود را پیش از این که منظومه‌ای حماسی باشد، به خاطر وجهه‌ی تاریخی‌اش کسب کرده و همیشه به عنوان تاریخ منظوم ایران به حساب می‌آمده است. از نمونه‌های دیگر این تاریخ‌ها که اساطیر آفرینش را همچون بخشی از تاریخ قلمداد کرده‌اند، می‌توان از «تاریخ طبری»، «کامل ابن اثیر»، «تاریخ حمزه‌ی اصفهانی»، «تاریخ یعقوبی»، «اخبار الطوال دینوری»، «تاریخ بلعمی» و «جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی» نام برد.

به خاطر اهمیت موضوع آفرینش، لازم به نظر می‌رسید که همه‌ی آن اساطیری که به پیدایش جهان و انسان می‌پردازند و در زمان‌هایی نه چندان دور مقبول همگان بوده‌اند در مجموعه‌ای گردآوری و تا حد امکان به بررسی و مقایسه آن‌ها پرداخته شود. به همین علت است که ما فصل‌هایی از این رساله را به جمع‌آوری و بررسی این اساطیر اختصاص داده‌ایم.

در برابر آفرینش و خلقت، مسأله‌ی مرگ مطرح می‌شود. انسان همیشه با مرگ دست به گریبان بوده است. شاید بتوان گفت که تلخ‌ترین حادثه‌ای که هر انسانی در زندگی با آن مواجه خواهد شد، مرگ است که هیچ‌گیزی از آن نیست. انسان‌های بی‌شماری به دنبال یافتن راه‌گیزی از این پایان ناگزیر بوده‌اند؛ برخی به دنبال آب زلال حیات رفتند اما به چشمه‌ی تیره‌ی ناامیدی رسیدند و ناچار به بازگشت و قبول آن واقعیت محکوم شدند. این گونه‌ی نومیدی‌ها از دست یافتن به یک جاودانگی در این جهان باعث شد که انسان‌ها به فکری دیگر بیفتند. آنان ناچار مرگ را پذیرفتند اما نه با واقعیت تلخ نیستی نهفته در آن، بلکه آن را در حد گذر از یک رودخانه و یا تغییر جامه‌ی روح تنزل دادند و به تصویرپردازی جهانی دیگر در ورای این فنا پرداختند؛ جهانی آرمانی که آرزوی

هر انسانی بود. از آن جایی که خلاق و طراح اصلی آن جهان، قوه ی خیال بشری بود و محدودیتی برای هر چه زیبا و دلپذیرتر جلوه دادن آن در پیش نبود، تا آنجایی که توانستند حسن ذوق و حس شاعرانه در پیرایش و آرایش آن به خرج دادند و آن را محبوب و گمشده ی هر قلبی کردند. در این تصویرسازی، ساکنان سرزمین های سرد و یخبندان، جهانی گرم و مطبوع در آن سوی مرگ به تصویر کشیدند و ساکنان کویر و بیابانگردان، باغ هایی در آن سوی مرگ برای خویشتن ساخته اند که درختانش سردر هم آورده و چشمه هایی زلال از زیر آن ها جاری است.

« در این میان تمامی دینیهایی که مرگ را پایان زندگی بشری دانسته اند محکوم به فنا شده اند چرا که میل به جاودانگی و همچنین سختیها و ناکامیهای این دنیا نمی تواند انسان را قانع کند که با مرگ همه چیز پایان می یابد. این اعتقاد در جاهایی نیز به خلق اثرهایی پرداخته اند. » (صدیقی، ۱۳۸۰، ص ۴)

«رداویراف نامه» کهن ترین اثر در این زمینه می باشد که هزار سال پیش از کمدی الهی دانته نوشته شده است. بر اساس این داستان، شخصی از قدیسان زرتشتی به نام «ویراف» سفری روحانی به آخرت و دیار امشاسپندان می کند. علت سفر او این است که پس از حمله ی اسکندر به ایران اعتقادات مردم بسیار ضعیف می شود. بنابراین موبدان به مشورت می نشینند تا راه حلی برای تقویت و تحکیم دین بیابند. آنان تصمیم می گیرند که شخصی به جهان دیگر، نزد اهورامزدا، برود و از آنجا خبرهایی برای پیروان دین بازآورد. ویراف برای رفتن به این سفر «هی و منگ» می نوشد و به حالت خلسه می افتد تا هفت روز به هوش نمی آید. پس از به هوش آمدن داستان و خاطره ی خویش را از این سفر روحانی باز می گوید که «رداویراف نامه» نتیجه ی این سفر روحانی اوست. او در این سفر از دوزخ، برزخ و بهشت که جایگاه ایزدان و نیکان است دیدن می کند.

در بین النهرین نیز داستانهای مشابهی از سفر ایشتر به جهان مردگان و همچنین حماسه ی گیل گمش وجود دارد. اعتقاد به جهان پس از مرگ در اعتقادات اساطیری، باعث رواج آیین ها و مراسمی خاص در هر منطقه در مورد مردگان و شیوه های به خاک سپاری آن ها شده است که این باورها و اساطیر عاملی برای توجیه این مراسم نیز به حساب می آیند؛ سرانجام همان گونه که این جهان همانند انسان آغازی داشته است که به اراده و خواست ایزدان پدید آمده است، پایانی نیز خواهد داشت که مرگ آن به حساب می آید.

اعتقاد به پایانی برای جهان، در مرحله ی نخست از زندگی خود انسان و آفرینش و مرگش الگو می گیرد؛ زیرا از نظر انسان هایی که تصویری برای ازلیت وابدیت داشته اند، باید جهان نیز همانند دیگر آفریده ها روزی به پایان عمر خویش برسد. اما در مرحله ی بعد برای پایان جهان صیغه ای فلسفی و اجتماعی یا دینی قائل شدند و آن را لازمه ی جامعه ی رو به زوال بشری دانستند؛ زیرا به عقیده ی آنان این سیری که نزول فضایل اخلاقی و خصائل بشری می بیند، باید به نابودی نوع بشر منجر شود، به خاطر اینکه انسان هاروز به روز از فرامین ایزدان دور می شوند و تا خدایان، خودشان دست به کار نشوند، نوع انسان هدایت و اصلاح نخواهد شد. بنابراین به خاطر اصلاح انسان ها، ابتدا تمام ارکان جهان و سپس سامان زندگی انسان ها به هم خواهد ریخت که در پس آن نظمی دیگر و طرحی نو درافکنده خواهد شد.

در این رساله به این مباحث در بین سه ملت بزرگ ایران، بین النهرین و مصر در نیای باستان پرداخته و سعی شده است که علاوه بر جمع آوری مطالب اسطوره ای، بحث منسجمی همراه با مقایسه و بررسی ارائه گردد و همچنین نتیجه گیری و ارائه ی آن نتایج در پایان ذکر شود.

۱-۳-اهداف تحقیق

- _ بررسی اعتقادات ایرانیان باستان راجع به مسئله آفرینش، رستاخیز و سرنوشت روان پس از مرگ
- _ بررسی سیر تحول اعتقادات معاد شناختی ایران باستان و دوره های مختلف تا ورود اسلام
- _ بررسی شباهت ها و مشترکات باورهای ایران باستان در خصوص مسئله آفرینش با باورهای بین النهرین باستان و مصر باستان
- _ بررسی تفاوتها باورهای ایران باستان در خصوص مسئله آفرینش با باورهای بین النهرین باستان و مصر باستان
- _ بررسی شباهت ها و مشترکات باورهای ایران باستان در خصوص مسئله رستاخیز با باورهای بین النهرین باستان و مصر باستان
- _ بررسی تفاوتها و باورهای ایران باستان در خصوص مسئله رستاخیز با باورهای بین النهرین و مصر باستان
- _ بررسی تاثیر پذیری اقوام فوق از یکدیگر

۱-۴-اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

یکی از مسائل ضروری جامعه ما، شناخت هویت و پژوهش و واکاوی مولفه های گوناگون آن است که از آن جمله می توان به سیر تحول اعتقادات و باورهای ایرانیان باستان و دو تمدن بزرگ بین النهرین و مصر باستان پرداخت.

۱-۵-سوالها یا فرضیه های تحقیق

۱. اعتقاد ایرانیان پیش از اسلام در رابطه با رستاخیز و مسائل مربوط به آن چگونه بوده است؟
۲. اعتقاد ایرانیان پیش از اسلام در رابطه با آفرینش و مسائل مربوط به آن چگونه بوده است؟
۳. ایرانیان به طور اخص درباره آفرینش، پاداش و کیفرمردگان، جایگاه آنها (بهشت و دوزخ)، چینیود پل^(۱)، تن پسین^(۲) و نحوه داوری روانها چگونه می اندیشیده اند؟
۴. مردمان بین النهرین به طور اخص در باره آفرینش پاداش و کیفرمردگان، جایگاه آنها (بهشت و دوزخ)، چینیود پل، تن پسین و نحوه داوری روانها چگونه می اندیشیده اند؟